

به قول معروف نرنگه اوسد به بازار کهنه می شه دل آزار

اگر قدر قدیمی‌ها را ندانیم، آیندگان نیز ما را فراموش می‌کنند.

بر اساس روایتی از معصوم (ع) فرد ناتوان، کسی است که از یافتن دوست، ناتوان باشد و از او ناتوان‌تر، کسی است که دوستان قبلی‌اش را از دست بدهد.

* حکایت

جوانی خدمت رسول خدا (ص) رسید و به آن بزرگوار عرض کرد: «مادر پیری دارم که همه کارهای شخصی او را انجام می‌دهم. هم چون مادری که کودک ناتوانش را اداره می‌کند، من هم کارهای مادرم را سامان می‌دهم؛ آیا توانستم حق او را ادا کنم؟»

جوان، انتظار داشت که رسول خدا (ص) بفرماید: آری! تو توانسته‌ای حق و حقوق مادر خود را ادا کنی! رسول خدا (ص) فرمودند: «تو حتی نتوانسته‌ای حق یکی از ناله‌های زمان زایمان را جبران کنی.»

متأسفانه، برخی افراد همین که به مقام و موقعیت جدیدی می‌رسند و رفقای تازه‌ای می‌یابند، دوستان گذشته را فراموش می‌کنند. در منطق آنان، چون کالای نویی به بازار آمده، باید کالاهای قدیمی را به موزه‌ها و سمساری‌ها سپرد! در حالی که به قول قدیمی‌ها، دو چیز، قدیمی‌اش خوب است: یکی از آن دو چیز، دوست می‌باشد؛ دلیل آن هم روشن است؛ زیرا اگر این دوست، که قدیمی شده، اطمینان‌بخش نبود، در نیمه راه از انسان دل می‌برد، عمر این دوستی کفاف نمی‌کرد که قدمت پیدا کند. لایذ این دوست آن مقدار گذشت و بزرگواری داشته است که در کشاکش زمان به ناهم‌رسانی احتمالی دوست خود بسازد و رشته دوستی را از هم نگسلد؛ پس دوست قدیمی، لیاقت دوستی و همراهی را دارد. اما این که امروز دوست ما شده و حکم کالای جدیدالورود را دارد، هنوز امتحان خود را پس نداده است؛ از این رو عقلی و منطقی نیست که دوست دیرینه امتحان پس‌داده با وفا را فدای کسی کنیم که هنوز دوستی و محبتش بر ایمان مجهول، نامشخص و احیاناً نامطمئن می‌نماید.

* یک محاسبه معمولی

بر اساس یک محاسبه عقلی و عرفی، اگر پیدا کردن دوست جدید پسندیده باشد، نگه‌داری دوستان قدیمی، برتر و ارزشمندتر است و این برخلاف برداشت سوئی است که از ضرب المثل مورد اشاره، به عمل می‌آید.

* نکته آخر

بر اساس روایتی از معصوم (ع) فرد ناتوان، کسی است که از یافتن دوست، ناتوان باشد و از او ناتوان‌تر، کسی است که دوستان قبلی‌اش را از دست بدهد.

یکی از استادان دانشگاه، در بهترین مکان منزلش، تصویر معلم کلاس اول خود را قاب گرفته و گذاشته بود. شاگردان که نمی‌دانستند عکس کیست، از او پرسیدند: این تصویر چه کسی است؟ استاد جواب داد: «تصویر اولین معلم من است؛ اولین کسی که مرا با الفبای زبان، آشنا ساخت.» در منطق این استاد، اگر تو می‌توانست جای قدیمی‌ها را بگیرد، علی‌القاعده بایستی تصویر یک استاد دانشگاه را به جای آن معلم کلاس اول ابتدایی گذاشت؛ برای این که شاگردی در محضر استاد دانشگاه، جدیدتر از شاگردی در محضر معلم کلاس اول بوده است.

هرگاه، قدر قدیمی‌ها و کهنه شده‌ها را ندانیم، آیندگان نیز ما را به‌زودی فراموش می‌کنند. فراموش نکنیم که دنیا با ما همان معامله را می‌کند، که ما بر دیگران روا می‌داریم.

ضرب‌المثل این شماره از صفحه «به قول معروف» را به این ضرب‌المثل اختصاص داده‌ایم.

«نو که اومد به بازار، کهنه می‌شه دل آزار»

معمولاً وقتی که کفش و لباس نو می‌خریم و آن را می‌پوشیم، خود را با کفش و لباس نو و رانداز و احساس می‌کنیم تومانی یک ریال بهتر از وقتی شده‌ایم که کفش و لباسمان کهنه بوده‌اند! با کفش و لباس جدید، خوش قیافه تر شده‌ایم و صد البته، اول کسی که از ما خوشش می‌آید، خودمان هستیم. در آن حال کفش و لباس قبلی به نظرمان کهنه می‌آیند و حتی میلی به نگهداری آن‌ها هم نداریم. افراد معمولاً در این موقع سه تصمیم می‌گیرند:

دسته‌ای کفش و لباس کهنه را نگه می‌دارند و گاه از آن استفاده می‌کنند؛ تا جایی که کفش، سوراخ می‌شود و لباس، نخ‌نما.

دسته‌ای دیگر، آن را دور می‌اندازند! چون کفش و لباس نو به بازار زندگی‌شان آمده است؛ کهنه، دلشان را آزار می‌رساند!

عده دیگری هم دستی سر و روی کفش و لباس قبلی می‌کشند و آن را به مستمندان می‌دهند؛ به قول معروف: «روغن ریخته را نذر امام‌زاده می‌کنند!» این کار، البته پاداشی دارد و در پیش خدا گم نمی‌شود؛ اما بر اساس آیه ۹۲ سوره آل عمران، رسیدن به پرو نیکی، زمانی امکان‌پذیر است که از اموال مورد علاقه صدقه بدهیم؛ نه از اموالی که مایل هستیم، آن‌ها را از دست بدهیم.

* بررسی منصفانه

این ضرب‌المثل را، منصفانه تجزیه و تحلیل کنیم. اگر پیام‌این ضرب‌المثل، فقط به یک جفت کفش و یک دست لباس منحصر گردد، مطلب چندان مهمی نیست؛ زیرا از دست دادن یک کفش و یک لباس، چندان خسارت آفرین نیست؛ اما پر واضح است که پیامدهای پذیرش این ضرب‌المثل، فراتر از این مقدار است.

مثلاً جوانی را در نظر بگیرید که به لطف خدا و زحمات والدین و تلاش و کوشش خودش، پیشرفت کرده، شغلی دست و پا می‌نماید و با دختر مورد علاقه‌اش ازدواج می‌کند. از این‌جا به بعد، هرگاه محبت همسر، جایگزین محبت پدر و مادر شود و - خدای ناکرده - توجه فرزند به والدین، کم‌تر از گذشته شود، این ضرب‌المثل تحقق پیدا کرده است؛ نو به بازار آمده و کهنه دل‌آزار گردیده است؛ بایستی مواظب باشیم؛ زیرا این پیامد، با از دست دادن یک کفش و یک دست لباس، خیلی فرق دارد.